

تجربه‌ی شوراها در روسیه

غنی‌ترین تجربیات طبقه‌ی کارگر در زمینه‌ی ایجاد تشکیلات دمکراتیک و طبقاتی خود در انقلابات ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ در روسیه به وقوع پیوست. در هر دو مورد شوراهای کارگری که بنا به ابتکار خود کارگران ساخته شده بودند نقش ویژه‌ای در سازمان دهی مبارزات و نهایتاً در تسخیر قدرت در اکتبر ۱۹۱۷ ایفاء کردند. در زیر بخش هائی از مقاله‌ی آندره نین*، یکی از رهبران جنبش کارگری اسپانیا را که برای شناساندن این تجربه به کارگران اسپانیا نوشته شده بود، می‌خوانید.

ترجمه‌ی فارسی این مقاله نخستین بار تحت عنوان "شوراها در روسیه" در نشریه‌ی کندوکاو، شماره ۷، بهار ۱۳۵۶ به چاپ رسید.

شوراها در ۱۹۰۵

* - آندره نین نماینده ت. ان. ت. ، کنفدراسیون آنارشیت‌ها در کنگره‌ی بین الملل سندیکایی سرخ در سال ۱۹۲۱ بود، و به سمت دبیر آن انتخاب شد. در سال ۱۹۳۰ استالین او را به علت گرایش هائی که به سمت تروتسکی داشت از اتحاد جماهیر شوروی اخراج کرد. پس از بازگشتش به اسپانیا، رهبری اپوزیسیون کمونیست چپ را به عهده گرفت و تا زمان پیوستنش به بلوک کارگری دهقانی «موزن» و پایه‌گذاری «پوم» (حزب کارگری وحدت مارکسیستی) این سمت را به عهده داشت. وی در پائیز سال ۱۹۳۶، در مقام وزیر دادگستری در تشکیل حکومت زنرالیته کاتالونی (حکومت محلی در کاتالونی) شرکت جست. این همکاری انشعاب او را با تروتسکیزم (مارکسیزم انقلابی)، که قبلاً با تشکیل پوم و شرکت در جبهه‌ی خلق آغاز شده بود عمیق‌تر کرد. پس از قیام ماه مه ۱۹۳۷ در بارسلون، توسط استالینست‌ها دستگیر، مفقودالایر و کشته شد.

"نباید گذاشت که اعتصابات به طور پراکنده ظاهر شوند و خاموش گردند. بدین دلیل تصمیم گرفته ایم رهبری جنبش را در دست یک کمیته‌ی کارگری مشترک متمرکز کنیم. به هر کارخانه، هر کارگاه، و هر صنف پیشنهاد می‌کنیم که نمایندگان خود را، به میزان یک نماینده برای هر پانصد نفر انتخاب کنند. نمایندگان هر کارخانه یا کارگاه کمیته‌ی کارخانه یا کارگاه را تشکیل خواهند داد. مجمع نمایندگان تمام کارخانه‌ها و کارگاه‌ها کمیته‌ی عمومی کارگران پترزبورگ را تشکیل خواهد داد."

این بیانیه‌ی اولین پلنوم شورای پترزبورگ در ۱۹۰۵ خطاب به زنان و مردان کارگر بود. بدین ترتیب شوراهای نمایندگان کارگری، مرجع رسمی شوراهای ظاهر شد و عمومیت یافت. نمایندگان تمام اقشار جامعه در این شورا متشکل شدند: نمایندگان اکثریت عظیم کارگران پایتخت، کارمندان و کارکنان ادارات و غیره و غیره... ولی در شوراهای اعضای احزاب انقلابی هم شرکت داشتند. به قول لنین، شورا وحدت مؤثر سوسیال دموکراسی انقلابی، کارگران انقلابی و دموکراسی انقلابی را تحقق داد. البته در این نکته در عین حال هم قدرت و هم ضعف شوراهای هفته بود: قدرت آن از آن جا که تمام پرولتاریا را سازمان می‌داد و ضعف آن از آن جا که ابتکار و انرژی این توده‌ی پرولتاریا تا حدی به خاطر تردید و تزلزل خرده بورژوازی رادیکال خنثی می‌شد، نهایتاً این جنبه، خود یکی از علل شکست شورا گشت.

پترزبورگ در سال ۱۹۰۵ مرکز تمام وقایع بود و در خود پایتخت شورا مرکز تمام جنبش. و دلیل آن قبل از هر چیز به قول تروتسکی، که خود صدر این شورا بود، این بود که: "این سازمان پرولتاری و فقط متشکل از طبقه‌ی کارگر، مشخصاً سازمان خود انقلاب بود". اضافه بر آن: "شورای نمایندگان

کارگران به مثابه جوابی به یک نیاز عینی که جریان وقایع ایجاد کرده بود به وجود آمد، نیاز عینی به سازمانی که قدرت و اعتبار داشته باشد، توده های پراکنده ی پایتخت را سازمان دهد، گرایش های مختلف انقلابی در میان پرولتاریا را متحد کند، قادر به ابتکار عمل باشد، خود به خود به بازبینی و کنترل اعمال خود بپردازد، و بالاخره از همه بتواند به فوریت و سرعت ساخته شود".

هیچ یک از احزاب انقلابی موجود، هیچ یک از سندیکاها قادر به ایفای چنین نقشی نبود. ولی الهام بخش برنامه سیاسی شورا، سوسیال دموکراسی بود. شعارهای اصلی آن سرنگونی حکومت مطلقه، ایجاد مجلس مؤسسان، جمهوری دموکراتیک و هشت ساعت کار در روز بود.

شورای پترزبورگ تمام امور سیاسی را در دست خود متمرکز کرده بود و از قدرت بی سابقه ای برخوردار بود. اعتصاب های عمومی سازمان داد، هشت ساعت کار در روز را با شیوه ی انقلابی در کارخانه ها به اجرا گذاشت، آزادی مطبوعات و مجامع را اعلام داشت و با در دست گرفتن چاپخانه ها و اماکن عمومی احقاق این آزادی ها را عملی ساخت، کمک به بیکاران را سازمان داد، با اعتصاب عمومی، تزاریزم را وادار به قطع جنگ در لهستان کرد. شورا شعار "خود را مسلح کنید!" را صادر کرد. شعاری که انعکاسی آتشین در میان پرولتاریا یافت. در کارخانه ها گروه های مسلح سازمان داده شد.

اعتبار و نفوذ شورا عظیم بود. همه ی مردم، همه ی توده های تحت استثمار، تمام قربانیان دستگاه سرکوب دولتی با اشتیاق به خواست کمک به شورا جواب مثبت می دادند. در آخرین دوران فعالیت شورا، رفت و آمد

نمایندگان دهقانان افزایش یافته بود و روابط با سربازان هم رو به تحکیم می رفت.

ساختار شوراهای

کارخانه، دژ عمومی شوراهای بود. معیارهای انتخابات، بنا به شهر و ناحیه تنوع قابل ملاحظه‌ای داشت ولی در همه جا مطلقاً تمام کارگرانی که در کارخانه کار می کردند، بدون محدودیت رتبه و سلسله مراتب در انتخابات نمایندگان شرکت می کردند. در پترزبورگ و مسکو برای هر ۵۰۰ نفر یک نماینده انتخاب می شد و در برخی دیگر از شهرها برای هر ۱۰۰ نفر یا ۲۵ نفر، به علاوه هیچ معیار مشخص و انعطاف ناپذیری هم وجود نداشت. به هر حال شوراهای در همه جا اکثریت عظیم طبقه‌ی کارگر یا تقریباً تمام طبقه‌ی کارگر را نمایندگی می کردند. اعتبار آن‌ها در برخی نقاط به حدی بود که حتی برخی از خرده کاسبکاران نیز تظاهر به انتخاب شورا می کردند.

سازمان دهی شوراهای چگونه بود؟ در اکثر نقاط کارگران مستقیماً دست به انتخاب شوراهای عمومی زدند. در برخی دیگر نقاط، همراه با شوراهای عمومی شوراهای محلی هم انتخاب شدند. در مسکو شوراهای محلی مستقیماً به شورای عمومی یا مرکزی، نماینده می فرستادند. در برخی نقاط دیگر اول انتخاب شوراهای محلی شروع می شد، و مجموعه این‌ها شورای ناحیه را به وجود می آورد.

به طور کلی هر شورا برای خود یک کمیته یا کمیسیون اجرایی، یا یک هیأت رهبری انتخاب می کرد. هر شورایی دست به ایجاد مراجع وابسته مختلفی از قبیل کمیسیون کمک به بیکاران، سازمان دهی میتینگ‌ها، پخش

انتشارات و تبلیغات، مسکن و غیره می زد. و هر جا که شورا رهبری قیام را در دست می گرفت، یا تبدیل به ابزار قدرت می شد، گروه های مسلح و میلیس نیز تشکیل می شدند. به علاوه شورا خود مسوولین مؤسساتی را که تحت کنترل شورا در می آمدند (پست و تلگراف، راه آهن) انتخاب می کرد. شوراهای از نیروی نظامی قابل ملاحظه ای نیز برخوردار بودند.

همه شوراهای چاپخانه و مطبوعات خود را نداشتند. بعضی از آن ها از مطبوعات قانونی یا مطبوعات حزبی استفاده می کردند. در برخی اوقات چاپ نشریات از طریق در اختیار گرفتن چاپخانه ها صورت می گرفت. همه شوراهای دست به انتشار اعلامیه هائی می زدند که نفوذ خیلی زیادی در امر تهییج و ترویج داشت.

۱۹۱۷: ساختار جمهوری شوراهای

پایه های رژیم جدید که زائیده انقلاب اکتبر بود، شوراهای شهری و روستائی بودند.

شوراهای روستائی بر اساس یک نماینده برای هر صد نفر از ساکنین و یک نماینده برای هر بیست نفر کارگر کارخانه، یا معدن یا مزارع دولتی، یا واحدهای نظامی مستقر در محل انتخاب می شدند. نمایندگان در مجامع عمومی تمام ساکنین منطقه، که دارای حق رأی بودند، انتخاب می شدند. محلات مهم روستا می توانستند در مجامع جداگانه انتخابات خود را برگزار کنند. کارگران کارخانه، مستخدمین، مؤسسات و واحدهای نظامی مختلف انتخابات خود را در محل کارخانه، مؤسسه یا قرارگاه خود برگزار می کردند. قوانین جمهوری شوروی اوکراین و جمهوری شوروی روسیه، لزوم سازمان

را در تمام مناطقی که اقلیت‌های ملی حائز اهمیت اند در نظر می‌گرفت.

وظایف اصلی شوراهای روستائی از این قرار بودند:

- (الف) اعمال کنترل بر اجرای تمام قطع‌نامه‌های مراجع قدرت مافوق خود،
- (ب) کمک به نمایندگان این مراجع در انجام وظایف شان در بخش،
- (ج) اقدام در جهت بالا بردن سطح زندگی اقتصادی و فرهنگی مردم،
- (د) تضمین و حفظ نظام انقلابی و مبارزه بر علیه ضد انقلاب و دزدی و راهزنی،
- (ذ) استفاده از توده‌ی زحمت کش برای حفظ چاه‌ها و پل‌ها و غیره و برای مبارزه بر علیه فاجعه‌های طبیعی،
- (ر) کمک به حفظ جنگل‌ها، خطوط راه آهن، تلفن و تلگراف در منطقه‌ی شورا،
- (ز) تضمین بهره‌برداری کامل و صحیح از زمین‌ها،
- (ط) به انجام رساندن تقسیم اراضی و سازمان دادن ذخیره‌ی غلات،
- (ه) پشتیبانی از همکاری کشاورزان مزارع دولتی، تشکیل کتابخانه و...
- (ی) کمک به ریشه‌کن شدن بیسوادی و کار فرهنگی در میان اقلیت‌های ملی.

همه شوراهای محلی بودجه مستقل برای خود نداشتند؛ ولی با وجود این همه از حقوق قضایی برخوردار بودند، و حق امضای قرارداد داشتند. شوراهای عموماً به منظور درگیری تمام اعضای خود در فعالیت‌های مداوم اقدام به تشکیل کمیسیون‌های مخصوصی در اطراف خود می‌کردند. این

ها، با اجازه ی شوراها حق داشتند همکاری ساکنینی را که عضو شورا نبودند ولی از حق رأی برخوردار بودند جلب کنند. هر شورا یک کمیسیون کنترل داشت، که به همان طریق خود شورا انتخاب می شد. و فعالیت های مالی آن ها را کنترل می کرد و حساب آن را در مقابل مجمع عمومی ساکنین پس می داد.

شوراهای شهری توسط تمام ساکنین حاضر در محل و دارای حق رأی، براساس یک نماینده برای هر صد نفر کارگر، سرباز ارتش سرخ یا عضو میلیس و یک نماینده برای هر ۳۰۰ نفر کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی، یا سایر رده های انتخاباتی، انتخاب می شدند. وظیفه ی شوراهای شهر حل تمام مسائل محلی و بحث درباره ی تمام مسائل مورد علاقه ی عموم بود.

این مراجع بودجه مستقل خود را دارند و به کمک آن نقش فعالی در نوسازی و تحول اقتصاد توده ها و زندگی اجتماعی و فرهنگی ایفا می کنند. این بودجه به مصرف تمام امور محلی می رسد (...). ارگان رهبری شورا و پلنوم های آن اقلأ ماهی یک بار فرا خوانده می شود. وظیفه ی پلنوم بررسی و حل تمام مسائل اساسی مربوط به شورا و تصویب بودجه است.

جلسات شورا علنی بودند. در تمام جلسات نمایندگان کمیته ی کارخانه ها، سندیکاها، واحدهای ارتش و سایر سازمان ها با حق صحبت ولی بدون حق رأی، حق شرکت داشتند. به منظور برقرار کردن پیوند نزدیک تر با کارگران، شورا تا سرحد امکان جلسات خود را در محل کارخانه ها و انجمن ها و غیره برگزار می کرد.

نمایندگان شوراهای شهری به مدت ۱ سال انتخاب می‌شدند؛ یعنی تا انتخابات بعدی. اعضای شورا را، بدون اطلاع قبلی به رهبری شورا، نمی‌شد دستگیر کرد. به جز در شرایط استثنائی، در صورتی که رهبری در عرض ۲۴ ساعت از آن مطلع گردد.

بخش‌هایی که وظیفه‌ی به هم پیوند دادن توده‌های زحمت‌کش را برعهده داشتند در فعالیت‌های شورا از اهمیت عظیمی برخوردار بودند. این بخش‌ها عبارت بودند از:

(الف) بخش اداری،

(ب) بخش ملی،

(ج) بخش آموزش همگانی،

(د) بخش بهداشت،

(ه) بخش تجارت و شرکت‌های تعاونی،

(و) بخش بازرسی کارگری و دهقانی.

با موافقت شورا بخش‌های می‌توانستند فعالیت‌های خود را به چند شعبه مستقل تقسیم کنند و یا بخش‌های جدیدی به وجود آورند (بخش اداری، قضائی، مسکن، بیمه‌های اجتماعی، کشاورزی). این بخش‌ها مسائل اساسی را که مراجع اجرایی به آن‌ها محول کرده بودند بررسی می‌کردند و در صورت لزوم، به منظور برقرار کردن نزدیک‌ترین پیوند با مراجع مختلف دستگاه‌های اجرایی و شرکت در جلسات و کمیسیون‌ها و کنفرانس‌های شورا و مطالعه‌ی مؤسسات مختلف و نظردهی در مورد مسائلی که پلنوم‌های شورا یا رهبری شورا به بخش محول کرده کمیسیون‌های دائمی از میان خود بر می‌گزیدند.

برای بهبود فعالیت هائی که در زمینه ی فرهنگی و اداری، در خدمت توده های زحمت کش انجام می گیرد، و برای کمک به شوراهای شهری در حل مسائل اساسی تحول سوسیالیستی کشور، شوراهای محلی، به موازات شورای مرکزی، انتخاب می شدند، تحت رهبری آن عمل می کردند و در مقابل آن مسئول بودند.

مراجع عالی رژیم شوراها کنگره ها و کمیته های اجرائی بودند. شوراهای روستائی هر محل، کنگره ی محل را به نسبت یک نماینده برای هر ده عضو شورا انتخاب می کردند. برای کنگره بخش تمام شوراهای روستائی، به نسبت یک نماینده برای هر هزار ساکن، و شوراهای شهری، به نسبت یک نماینده برای هر دویست ساکن، نماینده انتخاب می کردند. کنگره های ایالتی براساس قواعد نمایندگی زیر انتخاب می شدند: یک نماینده برای هر ۱۰ هزار نفر از ساکنین (این نمایندگان در کنگره های محلی و استان ها انتخاب می شدند)؛ یک نماینده برای هر ۲ هزار نفر از شوراهای شهری و کارخانه ها. شوراهای ناحیه ای، هر جا که وجود داشتند، توسط نمایندگان شوراهای شهری و کنگره ی بخش، به نسبت یک نماینده برای هر ۲۵ هزار نفر و یک نماینده برای هر پنج هزار نفر از انتخاب کنندگان شهرنشین انتخاب می شدند. کنگره های شوراهای جمهوری فدرال براساس قواعد کنگره های ناحیه ای و یا ایالتی انتخاب می شدند. کنگره ی سرتاسری: روسیه کارگران، دهقانان، سربازان سرخ و قزاق ها براساس زیرین انتخاب می شدند.

الف) از شوراهای شهری براساس یک نماینده از هر ۲۵ هزار نفر انتخاب کننده.

ب) از کنگره های ایالتی به نسبت یک نماینده برای ۱۲۵ هزار نفر از ساکنین.

اختلاف ما بین شوراهای و کنگره در این بود که نمایندگان شوراهای برای مدت معینی (مثلاً برای ۱ سال) انتخاب می شدند، در صورتی که نمایندگان کنگره ها برای هر کنگره انتخاب می شدند و در پایان کنگره مقام خود را از دست می دادند و از آن ها صرفاً کمیته ی اجرایی منتخب کنگره به جا می ماند.

مرجع عالی رژیم شوراهای کنگره ی شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که در روز ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ تشکیل شد. وظایف اصلی آن به قرار زیر بود:

- ۱- انتخاب کمیته ی اجرایی مرکزی و تصویب اعضای شورای ملیت ها، منتخب جمهوری ها و نواحی خودمختار شوروی.
- ۲- تأیید و تعدیل مبانی اصلی قانون اساسی اتحاد شوروی سوسیالیستی.
- ۳- حل اختلافاتی که توسط مراجع رهبری و کمیسیون های رسیدگی به اختلافات حل نشده بودند.
- ۴- تعدیل مصوبات کمیته ی اجرایی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی براساس پیشنهادات نمایندگان شوراهای یا کمیته های اجرایی جمهوری های فدراتیو.

کمیته ی اجرایی مرکزی از شورای اتحاد شوروی و شورای ملیت ها تشکیل شده بود. این مراجع از حقوق کاملاً مساوی برخوردار بودند. شورای کمیسارهای خلق مرجع اجرایی کمیته مرکزی بود. مصوبات و قطع نامه های این شورا در سراسر اتحاد شوروی لازم الاجرا بودند.

در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حق رأی همگانی وجود نداشت. پرولتاریا به هنگام در دست گرفتن قدرت، در اکتبر ۱۹۱۷، فریب احترام به دموکراسی صوری را نخورد و دیکتاتوری خود را برنشانده. در نتیجه ی پیدا شدن محدودیت های چندی در حقوق انتخاباتی امری منطقی است. بنابر قانون اساسی شوروی تمام افراد بالغ بیشتر از ۱۸ سال، چه مذکر چه مؤنث، که شرایط زیر را دارا بودند می توانستند در انتخابات شرکت کنند و یا انتخاب شوند:

(الف) کلیه ی کسان ی که معاش خود را از طریق کار مفید، یا انجام کارخانگی و فراهم آوردن امکان کار دیگران در خارج از خانه (مثلا زنان خانه دار و یا تمام افرادی که به نگهداری اطفال کارگران اشتغال دارند و غیره) به دست می آورند،

(ب) سربازان ارتش سرخ،

(ج) کلیه افرادی که شرایط الف و ب را دارا بوده اند ولی قدرت کارشان را از دست داده اند.

(د) خارجیانی که در سرزمین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی زندگی و کار می کنند.

کسان ی که نه حق انتخاب کردن داشتند و نه حق انتخاب شدن، حتی اگر در شمار رده بندی های بالا هم بودند عبارت بودند از:

(الف) کسان ی که در پی سود از کار مزدوری استفاده می کنند.

(ب) کسانی که منبع زندگی شان درآمدی است که از کارشان سرچشمه نمی گیرد.

(ج) تجار و واسطه های تجاری.

د) راهبین و عمال مسالک و مذاهب.
 و) کارکنان و مأمورین پلیس سابق، و هم چنین اعضای خاندان سلطنتی.
 ه) افرادی که به اختلال حواس دچارند یا تحت قیمومیت هستند.
 ی) کسانی که توسط دادگاه‌ها محکوم شده‌اند.
 تاریخ مبارزات طبقاتی تا کنون شکل عالی تری از اعمال قدرت طبقاتی و دموکراسی توده‌ای عرضه نداشته است. ممکن است که بخش قابل ملاحظه‌ای از توده‌ی استثمار شده هنوز معنی و اهمیت واقعی شوراهای را ندانند. ولی با شعار "تمام قدرت به شوراهای" بود که پرولتاریای روسیه نظام سرمایه‌داری را در سال ۱۹۱۷ سرنگون کرد و بر اساس شوراهای قدرت را به دست گرفت. پیروزی کارگران بستگی به پیدایش، تحکیم و تسخیر قدرت به دست شوراهای دارد.

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۶۱۳۸